

از: اردشیر خدادادیان
(دکتر در ایران‌شناسی)

دین اشکانیان

توماس هاید کشیش و استاد دانشگاه آکسفورد در آغاز سده هجدهم میلادی در کتاب خود^۱ آداب و آئین‌مادها، ایرانیان (پارسیها) و پارتها را بررسی می‌کند. هاید این سه قوم را به خاطر آنکه از یک نژاد می‌باشند، در بسیاری از ویژگیهای فکری، اجتماعی و معنوی تاحدودی برابر می‌داند در بررسی تمدن اشکانیان، به این نتیجه می‌رسیم که اشکانیان از بهره‌گیری از تمدن آریائیهای قدیم و قوم سکایی نصیب نبوده‌اند و تمدن هلنی زمان سلوکیان نیز بر تمدن آنها بی‌اثر نبوده است^۲ سلوکیان در زمان فرمانروایی خود در مناطقی مانند کنگاور و دیناور معابد هلنی برپا داشته بودند ولی بابه روی کار آمدن پارتها، پرستش اهورا مزدا در بسیاری از مناطق زیر فرمان پارتها از نومعمول گردید^۳ البته در آغاز سلطنت اشکانیان، دین زرتشت نتوانست به مفهوم قدیمی خود مورد قبول مردم واقع شود، ولی بعدها شاهنشاهانی مانند بلاش اول در این زمینه تلاشهای فراوان و ارزشمندی کردند تا این دین دوباره احیاشود. به‌طورکلی

1— *Veterum Persarum et Medorum et Parthorum Religionis Historia.*

۲— پیرنیا: ایران قدیم، ص ۱۷۸

3— C. Colpe: *WB der Mythologie*, S. 173

آداب و رسوم آئین زرتشت و در زمان اشکانیان جز در موارد اندک به درستی اجرا می شده است، البته برخی از پارتیها در دفن مردگان خود شیوه‌ای داشتند که مغایر با آداب زرتشتیان باستان بوده است. پیروان آئین زرتشت برای اینکه خاک (زمین) یکی از عناصر چهارگانه مورد ستایش آلوده نشود، از به خاک سپردن اجساد به شدت جلوگیری میکردند معذک تاریخ نشان می دهد که پارتیها مردگان خود را با زیور و زینت و لوازم خانگی اش به خاک می سپردند.^۲

زبان پارتیها زبان آریایی بوده که واژه‌های سکایی در آن بکار برده شده است برخی از نوشته‌های پارتی و گزارشهای زبان ملل دیگر درباره اشکانیان و حتی سکه‌های خود اشکانیان بیانگر این واقعیت است^۳. خط پارتیها نوعی خط آرامی سریانی بوده که بعدها خط پهلوی ساسانی از آن به وجود آمده و یا بهتر بگوییم تکامل یافته است. واژه پارتاو (Partav) یا پارتاو (Parthav) (Parssav) بعدها تبدیل به پهلوی (Pahlav) شده است^۴، بدین معنی که زبان پهلوی ساسانی نیز به آهنگ خط پهلوی، همان نوع تکامل یافته و یادگرگون شده زبان پارتیها است. اگر برخی از محققین بخش زمانی متعلق به اشکانیان از پیکر کلی دین ایرانیان را مبهم و تاریک می دانند، بیشتر به خاطر نامشخص پنداشتن دین شاهنشاهان اشکانی است این مشکل که تقریباً نیمی از یک هزاره شاهنشاهی ایران را دربر می گیرد (از ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ از میلاد مسیح) از دو جهت باید مورد بررسی قرار گیرد. یعنی از زمان پیش از پارتیها به جلو و دیگری از زمان ساسانیان بعقب تا حدود برچیده شدن اساس سلوکی و بنیانگذاری شاهنشاهی اشکانی در ایران.

۴- بیات : کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام ۲۳

C. Colpe: WB der Mythologie, S. 174

۵- پیرنیا : ایران قدیم ، ص ۱۷۴-۱۷۵

6— Hinz: Zarathustra, S. 14+Barr: HB der Religionsgeschichte, S. 299

بررسی خدایان آریاییها و نیروهای سودمند و ارواح خبیثه و پلید در میان ایرانیان نمایانگر بسیاری از هم‌آهنگیها میان فرهنگ و تمدن ایرانیان و هندیها، بابلیها، یونانیها و غیره است. اهورای ایرانی را برخی از محققین همان اسورای هندیها می‌دانند، اهورا مزدا را بابل (Bel) بابلیها مقایسه می‌کنند، شمش (Shamash) را درجد میثرا (Mithra) می‌دانند و آناهیتای ایرانی (پاک = Anahita) را همان آناسیتای (بدون لکه = Anasita) هندی و نانای (Nanai/Nane) سامی می‌پندارند. هادس (Hades) همان اهریمن و هراکلس یونانی (Herakles) را همان وره‌رام (Verethraghna = پیروزی، مقاومت = Vrtraghna) و آیون هلنی (Aion) را هم‌طراز زروان (Zrvan = زمان = Zarvan/Zurvan) می‌شناسند.^۷

این هم‌آهنگیها که در دوران اشکانیان بصورت اقتباس درمی‌آید، در بررسی دین اشکانیان بسیار لازم و سودمند است. اشکانیان پیرو آئین مشخصی نبودند. به‌جز عده معدودی از شاهنشاهان اشکانی مانند بلاش اول که در ترویج و پرورش دین زرتشت و نوشته‌های مربوط به آن بی‌دریغ کوشید^۸ دیگر شاهنشاهان این سلسله دین

7— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1012

8— Barr, K.: Die Religion der alten Iranier, S. 299

این نکته در اینجا قابل یادآوری است که در کتاب دینکرد نیز به تفصیل در این باره سخن رفته است و در اصل مراد همان بلاش اول (ولخش یکم = Vologeses I. است که از ۵۱ تا ۷۹ میلادی شاهنشاه اشکانی بود. برخی از محققین گزارش دینکرد را به بلاش سوم Vologeses III. که از ۱۶۸-۱۹۱ میلادی شاهنشاه اشکانی بود، نسبت می‌دهند. گویند این شاهنشاه (ولخش) فرمان داد که آنچه نوشته و یادداشت از اوستا و زند پراکنده است جمع آوری کرده و آنها را از نو تنوین و نونگاری کنند و سامان دهند و محتوای آنها به‌کار بندند و درست نگهداری کنند و برای آیندگان پرورش دهند (پانویس صفحه Barr: Ebd. S. 299).

مشخص و روشنی نداشتند. پرستش خورشیدکه همان شمش است و در بالا به آن اشاره شد، ستایش به اهورامزدا و مهر و آناهیتا در میان اشکانیان معمول بوده است^۹. از فرشتگان و خدایان بیگانه به ویژه خدایان یونانی مانند زئوس، هرا، اتنا، و برخی از ایزدان و فرشتگان سامی توسط معدودی از اشکانیان نام برده شده است. آثار بازمانده پارتی ها در خارج از ایران سکه ها و مهرهای اشکانی بیانگر اعتقادات اشکانیان هستند^{۱۰} با وجود اینکه پارتیها موجب از بین رفتن حکومت سلوکیان در ایران شدند، ولی تمدن هلنی سلوکیان تا حدود قابل ملاحظه ای به ویژه از سوی عده بیشماری از شاهنشاهان اشکانی مورد اقتباس قرار گرفت. اینک ببینیم که تمدن سلوکی و خدایان غیر ایرانی در میان اشکانیان چه نقشی داشته اند:

کامناسکر (Kamnaskires) فرمانروای پارتی حاکم بر ایلمائی
 (Elymais = Elymias) عنوان نیکه پور (Nikephores) که اسکندر
 بالاس Alexander Balas, 150—145 v. Chr. برای خود انتخاب کرده بود،
 برگزیده مهرداد دوم Mithradates II. عنوان تئوس Theos
 که ویژه آنتیوخوس دوم (Anthiochos II.) بود، برای خود برگزید.
 اردوان دوم (Artabanos II.) شاهنشاه اشکانی لقب نیکاتور
 (Nikator = فاتح) که به دمتریوس دوم (Demetrios II.) و سلوکوس
 اول (Seleukos II.) شاهان سلوکی اختصاص داشت، بر خود نهاد^{۱۱}.

۹- ملکزاده بیانی: اولین تختگاه پارت: بررسیهای تاریخی (شماره ۲، تیرماه ۲۵۳۶) صفحه ۱۰۲

۱۰- ملکزاده بیانی: همان مجله، ص ۱۰۲ و ۱۱۳. لازم به یادآوری است که پرستشگاههای پارتیان در الحضر و ناخیلا (پنجاب) همانند پرستشگاههای ایرانیان در عهد هخامنشی بوده است. مراجعه شود به: ملکزاده بیانی: همان مجله، پانویس شماره ۳۶، صفحه ۱۰۲.

11— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1012

فرهاد چهارم Phraates IV. شاهنشاه اشکانی در ضرب سکه‌های زمان خود فرمان داده بود که بر روی يك سوی سکه نقش خود او و بر سوی دیگر تصویری از امپالوس Omphalos خدای مشترك روم و یونان^{۱۲} را ضرب کنند. این نوع ضرب سکه میان قبرسی‌ها و رومی‌ها در آن زمان معمول بود و اشکانیان نیز از این روش پیروی میکردند. بر روی سکه‌های مهرداد یکم (Mithradates I.) نقش زئوس اتوپوروس (Zeus Aetophoros) به گونه‌ایکه بر روی سکه‌های نقره‌ای اسکندر نقش بسته بود، وجود داشت. گاهی نیز نقش هرکولس (Herkules) که سلوکیان خود را از فرزندان او می‌دانستند بر روی سکه‌های مهرداد یکم وجود دارد^{۱۳} فرهاد چهارم که در بالا از او نام بردیم گاهی بر روی سکه‌های خویش نقش پالاس (Pallas = خدای دانش و خرد و نگهبان آتن) .^{۱۴} و آپولو (Apollon) و نقوش خدایان رومی مانند یازئونس (Janus) یازانوس) و اکویتاس (Aequitas) و نمسیس (Nemesis) را ضرب می‌کرد. ^{۱۵} این شاهنشاه از ضرب نگاره‌های خدایانی مانند هرمس (Hermes) و ایرن (Eirene) و هارپوکرات (Harpokrates) بر روی سکه‌های خود خودداری کرد^{۱۶} به همین ترتیب نباید تاثیر هنر سلوکیان را بر هنر اشکانیان نادیده گرفت زیرا هنر در قالب واقعی خود به ویژه در امر مجسمه سازی و نقش نگاره خدایان و عناصر مورد

12— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1012+H. Jensen: Mythologisches Lexikon, S. 70 .

13— W. Wroth: A Catalogue of the Coins of Parthia, BMC 23, London 1903.

14— H. Jens: Mythologisches Lexikon, S. 23, 72 .

15— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1012 (Anmerkung).

16— J. M. Unvala: Observations on the Religion of the Parthians, P. 6—9.

ستایش بیانگر چگونگی اعتقادات و آداب و آئین هرملتی است .
 در آغاز آنگاه که شاهزادگان اشکانی با سپاهیان و همراهان
 خود وارد ایران شدند، اگرچه با ایرانیان از یک نژاد و دارای زبانی
 هم‌ریشه زبان ایرانیان بودند ، ولی هنوز کاملاً ایرانی نبودند^{۱۷}
 خواست مآدر زمینۀ دین اشکانیان این است که در میان آنها تاجچه‌حد
 عناصر مقدس مانند آب و آتش و غیره مورد ستایش بوده‌اند. پارتها
 آب و رودخانه‌ها را ستایش و از مسافرت‌های دریایی به شدت
 جلوگیری می‌کردند، زیرا بیم آن می‌رفت که آب همان عنصر مقدس
 در آئین زرتشت آلوده شود. تیرداد شاهنشاه اشکانی که در سال ۶۶
 پس از میلاد مسیح از سوی نرو (Nero) به پادشاهی ارمنستان انتخاب
 شده بود و در حقیقت برادر بلاش یکم (Vologeses I) شاهنشاه معروف
 اشکانی بود، سفر طولانی خود را به‌رم از طریق خشکی انجام داد.^{۱۸}
 تیرداد سوم (در ۳۶ پس از میلاد (Tiridates III) که رقیب اردوان
 سوم (از ۱۲ - ۳۸ میلادی) Artabanos III بر سر حکومت بود ،
 اسب خویش را برای قربانی کردن بر سر رود فرات آراست و پس از
 آن قربانی چنان بارانی در گرفت که جهانیان را به اعجاب واداشت
 و خشکسالی به پایان رسید.^{۱۹} ماه وستارگان در میان آن دست از
 اشکانیان که بر ارمنستان حکومت می‌کردند، پرستش می‌شده است.
 خورشید را به‌گاه سوگند فرامی‌خواندند، این روش به‌ویژه در میان
 شاهنشاهان معمول بود. پرستشگاه‌هایی که ویژه ماه‌ستایی بود در
 کارها (Carrhae/Carrha) و ادسا (Edessa) ، اربل (Arbela) و همدان
 (Ekbatana) و هاترا (Hatra) و امسا (Emesa) برپا داشته شده بودند

17— H. H. Von der Osten: Die Welt der Perser, S. 117.

18— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1013.

19— C. Colpe: Ebd. S. 1013.

گرچه برخی از این پرستشگاهها در سرزمین پارتها نبودند، و پارتها همه ساله هدایا و قربانی‌هایی به آنجا می‌فرستادند.^{۲۰} البته در مورد ستایش خورشید در میان اشکانیان، باید به مهر پرستی اندیشید و وقتی می‌بینیم که برخی از شاهنشاهان اشکانی ستاره و نوس (Venus) یا ناهید را می‌پرستیدند، باید به مکتب ناهید ستایی و معابد آن‌ها بیاندیشیم.

و اما آتش، عنصر مورد ستایش پیروان زرتشت در نژاد اشکانیان از نظر اهمیت چه مقامی داشت؟ علاوه بر آتشکده و پرستشگاه فر تادر (Fratadara) در تخت جمشید (Persepolis) و ری (Rhaga) در خاور ایران در قصر کوه خواجه و در تاخیل (Takhila = Taxila) در نورآباد و در باختر ایران در نواحی بردنشاندا (Bard-i-Nishanda) در شوش (Susa) در هاترا (Hatra) در نقش رستم در پاسارگاد آتشکده‌ها دیگر رونق هخامنشی خود را در زمان اشکانیان نداشتند آتشکده‌ها و پرستشگاه‌هایی وجود داشته‌اند سکه‌های بلاش یا ولخش یکم (Vologeses I) به آتشکده و آتشدان مزین هستند. اشک یا ارشک یکم (Arsakes I) در آتشکده‌ای در خراسان تاجگذاری کرده است.^{۲۱}

آنچه در میان اکثر پارتها معمول بوده است، پرستش و حرمت به نیاکان خود را می‌توان نام برد. خورشید و خدایان زمین و آسمان نیز مورد ستایش قرار می‌گرفته‌اند. بارزاپران (Barzaphranes) ساتراپ پارتی به خورشید و خدایان و فرشتگان زمین و آسمان سوگند می‌خورد بلاش به نیاکان خود نماز می‌برد و نگاره خورشید و ماه را برپای داشت، سوگند و ستایش به ماه و خورشید و نیاکان

20— C. Colpe: Ebd. S. 1014.

21— C. Colpe: Ebd. S. 1015.

در زمان اردوان سوم (Artabanos III.) نیز معمول بوده است^{۲۲} پژوهش دربارهٔ ویژگیهای پارتها نشان می‌دهد که آنها به هنگام مسافرت و تغییر مکان از خانه‌ای به خانه دیگر و یا از شهری به شهر دیگر، تصاویر و نگاره‌ها و تندیس‌های نیاکان خویش و خدایان را با خود حمل میکردند. ستایش و سوگند به نیاکان بیشتر یکی از ویژگیهای خاندان شاهی بوده است^{۲۳} اشکانیان اجساد مردگان خود را به دخمه نمی‌گذاشتند. تا طعمهٔ کرکسها به شیوهٔ معمول درآیین زرتشت بشوند، بلکه آنها را در قبر می‌سوزاندند.^{۲۴} سوزاندن مردگان و در نتیجه آلوده کردن آتش در میان تمام شاهنشاهان اشکانی معمول نبوده و به‌گونه‌ای که در بالا اشاره کردیم نخستین شاهنشاه اشکانی مراسم تاجگذاری خود را در آتشکده برپا داشت و سکه بلاش یکم دارای نقش آتشدان است. در نزد بسیاری دیگر از شاهنشاهان اشکانی ستایش به خداوند فقط در حضور آتش ممکن بوده است^{۲۵} آتش نه تنها در آتشکده‌های اشکانی و دیگر پرستشگاه‌ها مقام ویژه و والایی داشت، بلکه در میان خانواده‌ها نهایت کوشش میشد که از خاموش شدن آتش جلوگیری شود. پرستش آتش حتی خیلی پیش از زمان زرتشت معمول بوده و در آئین آریاییهای قدیم این عنصر مقدس مورد ستایش قرار می‌گرفته است.^{۲۶} ناگفته نماند که در زمانهای پیشین مردمان ایلام نیز آتش

22— C. Colpe: Ebd. S. 1016+S. Wikander: Feuerpriester in Kleinasien und Iran.

23— M. A. R. Colledge: The Parthians, London 1967, P. 103, 156.

24— M. A. R. Colledge: Ebd. P. 109—114.

25— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1015.

26— C. Colpe: Ebd. S. 1015.

را می‌پرستیده‌اند. آتشخانه‌ای که در کیزکاپان (Kizkapan —) در کردستان کشف شده است مربوط به ایلامی‌ها است^{۲۷} برخی از باستان‌شناسان این اثر باستانی را به قوم ماد نسبت داده‌اند.^{۲۸} اشکانیان در اسناد خود از نامهای ایزدان ایرانیان باستان استفاده کرده و گاهنامه و گاه شماری آنان به شیوه گاه شماری زردشتی بوده است.^{۲۹} مکان و نامهای بسیاری از آتشکده‌ها و پرستشگاه‌های پارتیان تاکنون مشخص شده است. پارتیان پوشاک ایزار و ادوات و ظروف و حتی دستگامهای ساده‌ای که روحانیان زردشتی در برگزاری مراسم دینی خود از آنها استفاده می‌کرده‌اند، به‌کار می‌برده‌اند. جشنهای مذهبی بمنظور نیایش به آتش و اهورامزدا و دیگر ایزدان برپا می‌داشتند. اشکانیان عموماً به دوزخ و بهشت اعتقاد داشتند، آنها گاهی مراسم پوزش خواهی از گناهان خود به درگاه خداوند که همان مراسم پتت (اوستایی: توبه = Paitita) در میان زردشتیان باشد، برگزار می‌کردند^{۳۰} کاربرد نام ایزدانی مانند تشر (اوستائی: Tishtrya) و ورهرام (اوستایی = Verethraghna) یا بهرام^{۳۱} در کنار میثرا و آناهیتا

27— C. Colpe: Ebd. S. 1015 Anmerkung 5+H.H. v. d. Osten: Die Welt der Perser, Tafel 138.

28— C. Colpe: Ebd. S. 1015.

۲۹— ملکزاده بیانی: اولین تختگاه پارت: مجله بررسیهای تاریخی، ص ۱۰۲

30— C. Colpe: Die Religion der Partherzeit, S. 1017.

۳۱— این نام ستاره‌ای است در اوستا که اروپائیان به آن «سیریوس» Sirius می‌گویند.

۳۲— این نام ایزد آسیب‌ناپذیری و پایداری است. ورهرام (بهرام) عنوان یکی از بزرگترین آتش‌ایرانیان است. در اوستا یشتی تحت عنوان «ورهرام‌یشت» وجود دارد که گویند انسان را بی‌گزند نگه‌میدارد.

و ستایش به آنها در میان بسیاری از اشکانیان معمول بوده است.^{۳۲} اشکانیان در گاهشماری خود نام ماههای زرتشتی به کار می برده اند. نامهای بسیاری از شاهنشاهان اشکانی مانند مهرداد (— Mithridates) یا اردوان (— Artabanos)^{۳۳} بیانگر اعتقاد آنها به آئین زرتشت است.^{۳۴}

اشکانیان نامهایی مانند اورمزدیک (— Ohrmazdik) و دین مزدیک (— Dinmazdik) نیز بر خود می نهاده اند.^{۳۵}

در سالهای اول و دوم میلادی و به ویژه در زمان سلطنت فرهاد پنجم که به فرهاتک معروف است (— Phraates V. / Phraatakes) و از سال دوم تا چهارم میلادی شاهنشاه اشکانی بود، تألیف نوشته اوستایی وندیداد و کتاب نیرنگستان به پایان رسید.^{۳۶} جا دارد که در پایان این بررسی کوتاه، نظر رومان گیرشمن باستان شناس معاصر فرانسوی را نیز درباره دین اشکانیان ذکر کنیم:

گیرشمن آیین زرتشت را در عهد اشکانیان پراهمیت نمی داند. این محقق عقیده دارد که زرتشتی بودن اشکانیان به همان اندازه مورد قبول است که در مورد شاهنشاهان هخامنشی صادق است.^{۳۷} پروفیسور گیرشمن به قول تاسیتوس (تاکیتوس = Tacitus) در مورد معمول بودن قربانی در میان پارتها می گوید: به هنگام برگزاری جشنی در ارمنستان، تیرداد (— Tiridates) شاهنشاه

33— C. Colpe: Ebd. S. 1018.

۳۴— رتا یا ارتا — Arta در اوستایی اشا — Asha به معنای راستی، پاکی و نظم مطلق و در سانسکریت رتا — Rta است.

35— C. Colpe: Ebd. S. 1018.

36— C. Colpe: Ebd. S. 1018.

37— C. Colpe: WB. der Mythologie, S. 174.

۳۸— گیرشمن: ایران پیش از اسلام، ترجمه محمد معین، ص ۲۱۸

اشکانی تاج خود را پس از انجام قربانیهای و طی مراسمی ویژه به زیر پای نرون (Neron —) امپراتور روم قرار داد.^{۳۹}

همین دانشمند می‌گوید: برگزاری مراسم قربانیهای خونین در سده نخستین میلادی در ایران رواج داشته و بخشی از مراسم آیینی خاندان سلطنتی بوده است و این روش طبعاً با آیین و آداب زرتشت که به شدت از قربانی جانوران جلوگیری می‌کند، ناهم‌آهنگ است.

راجع به پرستش اهورامزدا، مهر و ناهید در میان پارتیان، اسناد معتبر و نوشته‌های پراهمیتی در این باره در ارمنستان به دست آمده است.^{۴۰}

گیرشمن در ارزشیابی نهایی خود در این باره معتقد است که پارتها مانند کوشانیان دو سلسله ناشی از ایرانیان پیشین (بدوی و مربوط به دورانهای نخستین) آسیای مرکزی هستند و به ادیان بیگانه که مورد قبول آنان بود با نظر اغماض بسیار می‌نگریستند. آنان در بین‌النهرین معتقدات کشورهای را که فتح کردند با تعدیل یا با تغییری اندک در ظاهر، پذیرفتند. همانند این شیوه گاه و بیگاه در میان شاهنشاهان هخامنشی نیز دیده شده است.

۳۹- گیرشمن: همان کتاب، ص ۳۱۹

۴۰- گیرشمن: همان کتاب، همان صفحه

۴۱- گیرشمن: همان کتاب، همان صفحه

۴۲- گیرشمن: همان کتاب، ص ۲۲۳. این باستان‌شناس در اینجا اضافه

می‌کند: خدایان بیگانه نواحی باختری که بخشی از شاهنشاهی اشکانی به‌شمار می‌رفت، در نظر آنان به‌منزله نیکخواهان و حامیان ایشان به‌شمار می‌آوردند. گیرشمن باز در همین مورد می‌گوید: پارتیان دین خود را به اقوامی که مغلوب اشکانیان می‌شدند تحمیل نمی‌کردند. لازم به یادآوری است که این روش جوانمردانه در مورد کورش بزرگ بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی به هنگام فتح بابل نیز صادق است. کورش بزرگ نه تنها بابلیها را ناگزیر به گرویدن به آیین هخامنشیان نکرد، بلکه به مردوک خدای بابل نیز حرمت گذاشت.

ویژگیهای دیگر اشکانیان در رابطه با عقاید آنها :

در پیش اشاره کردیم که اشکانیان به هنگام تغییر محل سکونت خود، از جمله تندیسها و نگارههای نیاکان خویش را نیز به همراه دیگر لوازم خانگی به محل سکونت تازه خود، منتقل می کردند. تاریخ نشان می دهد که آنها پیش از گرویدن به دین زرتشت، به بنیانگذاران شاهنشاهی اشکانی یعنی اشکها نماز می بردند و آنها را پرستش می کردند.^{۴۳}

و نیز اشاره کردیم که اشکانیان بسیاری از عادات و آداب سلوکیان را نیز پذیرفتند، ولی بسیاری از سنت های دیرین و برخی از رسوم هخامنشیان را هم دنبال کردند، به ویژه پزشکی معمول در میان پیروان زرتشت و بازمانده تمدن دوران هخامنشی بر پزشکی و تمدن اشکانیان نفوذ قابل توجهی داشته است.

برخی از پژوهشگران بر این عقیده اند که آیین زرتشت معمول در زمان پارتها باگونه ای بت پرستی (Idolatrie) و پرستش اصنام و اشیاء و تصاویر و تندیسها (Faticismus) در وضع آمیخته با خرافات، رواج داشته است.^{۴۴}

به خاطر بستگی های نزدیک اشکانیان با آرامنه، می توان پنداشت که ستایش خورشید، ماه و ناهید (خدای باروری و آب = آناهیتا = Anahita —) یعنی «بدون لکه» که در سانسکریت آناسیتا = Anasita — است) که در آغاز دوران اشکانیان معمول بوده با مهرپرستی، ماه ستایی و پرستش ناهید معمول در میان آرامنه

۴۳- نجم آبادی : تاریخ طب ایران (جلد اول) ص ۳۶۶

۴۴- نجم آبادی : همان کتاب ، ص ۳۶۸

بی ارتباط نبوده است.^{۴۵}

عادات و اعتقادات اشکانیان با روشهای بهداشتی و درمانی آنها باهمانند پیشینیان آنان بستگی مستقیم داشته، ولی در مجموع اشکانیان دارای پزشکی درخشانی نبوده‌اند. از آنجاییکه پزشکی و کوشش در امر درمان بیماران نوعی خدمت خدایی در میان ملل باستان به‌شمار می‌آمده است، برخی از پزشکان پارسی علاوه بر دانش ناچیز پزشکی که داشته‌اند، به‌پیشه خوابگزاری و معجزه‌گری نیز می‌پرداخته‌اند. آزونکس (Azonax — پزشک دانشمند زمان اشکانیان یکی از درخشان‌ترین چهره‌های عالم پزشکی عهد باستان بوده است. به‌این پزشک دانشمند به لحاظ چیره‌دستی اعجاب‌انگیز خود در امر درمان بیماران، لقب «شعبده باز» به‌مفهوم جادوگر و معجزه‌پرداز در پیشه پزشکی، داده بوده‌اند.

یکی دیگر از پزشکان نامدار و پراوازه دوران شاهنشاهی اشکانی فرایتس یا فرائیتس (Phraites —) نام داشته است. این پزشک که در سده چهارم میلادی می‌زیسته است، دارای تألیفاتی در زمینه دانش پزشکی بوده است. روایات تاریخی بیانگر آن است که یکی از شاهنشاهان اشکانی به نام مهرداد ششم (Mithridates VI.) حکمران پونتوس (Pontus —) یکی از علاقمندان به دانش پزشکی بوده و به گیاه‌شناسی و مطالعه درباره رستنیها علاقمند بوده است. گویند این شاهنشاه در علم طب و گیاه‌شناسی تألیفی از خویش

۴۵- در این باره روایتی تاریخی در دست است که چنین می‌رساند: تیگران دوم پادشاه ارمنستان هم‌زمان و هم‌داستان فرهاد سوم (Phraates III) شاهنشاه اشکانی بود. عمق این دوستی و هم‌بیمانی به اندازه‌ای بود که پادشاه ارمنستان در اواخر زندگی خود، دختر خویش را به همسری پارکوس شاهزاده ایرانی درآورد.

داشته است.^{۴۶}

در دوران اشکانیان در شهرهایی مانند مرو، بلخ و سفند مراکز علمی معتبری که نتیجه‌ای از گسترش تمدن یونانی در ایران بود (مراد گسترش هلنیسم در ایران است) برقرار گردیدند و در این مراکز در زمینه دانشهایی مانند ریاضیات و نجوم تحقیق می‌شده است.^{۴۷}

دیگر از ویژگیهای اشکانیان چگونگی ازدواج آنها است. اشکانیان چند زن می‌گرفتند ولی بیش از یک زن عقدی نمی‌توانستند اختیار کنند. شاهنشاهان اشکانی زنان عقدی خود را از میان شاهزادگان برمی‌گزیدند و زن آنان می‌بایست در هر صورت پارتی باشد. استثناهایی نیز به‌گونه‌ای که اشاره کردیم، در میان اشکانیان مشاهده شده است. طلاق در میان اشکانیان معمول نبوده ولی مردان در موارد نازا بودن زن، پرداختن زن به جادوگری و فساد اخلاق زن و پنهان داشتن دوران قاعدگی (عادت ماهانه =

۴۶- نجم‌آبادی : تاریخ طب ایران (جلد اول) ص ۳۷۰ . درباره این پادشاه روایتی به این مضمون در تاریخ منعکس است: مهرداد ششم هیچگاه گرایش به رومیان از خویش نشان نداد و از آنان متنفر بود . مهرداد نه تنها به دانش پزشکی علاقمند بود، بلکه در پی کسب علوم و کمالات دیگر نیز بود . او بسیاری از زبانهای دوران خود را می‌دانست . گرچه این پادشاه در واپسین‌گاه زندگی خود به دست سردار خویش کشته شد ، ولی مهرداد این بیم را در آغاز شاهنشاهی خود داشت . مهرداد برای اینکه بدن خود را در برابر زهر مقاوم کند ، به خوردن سموم پرداخت . پادشاه اشکانی این کار را با مقداری ناچیز زهر آغاز کرد و به تدریج به میزان سم در خوراک و آشامیدنی خویش افزود . شاهنشاه اشکانی در جنگی که با رومیان کرد ، از آنان شکست خورد و بر آن شد که خویشتن را بکشد . شاه برای خودکشی هر اندازه زهر خورد ، در او مؤثر واقع نشد ، از اینرو یکی از افراد خود را فراخواند و باو فرمان داد تا او را به ضرب خنجر از پای درآورد . سردار نیز فرمان شاه را اجرا کرد و به زندگی مهرداد پایان داد .

۴۷- نجم‌آبادی : همان کتاب ، ص ۳۷۱

— Menstruation) از شوهر، می توانسته اند زنان خود را طلاق دهند. شاهان اشکانی به همه دختران شاهزاده «خواهر» می گفته اند. برخی از مورخین ازدواجهای فامیلی را به شاهان اشکانی نسبت می دهند.^{۴۸} اگر زنی نسبت به شوهر خود وفاداری را رعایت نمی کرد و به خیانت نسبت به شوهر خویش می پرداخت، شوهر حق کشتن آن زن را داشت.

پارتی ها گوشت بیشتر جانوران را می خورده اند و نوشیدن شراب خرما به میزان زیاد در میان آنان معمول بوده است. به هنگام مرگ جسد پادشاهان را در تابوتی گلی رنگ می گذاشتند. این تابوت دارای دهانه وسیعی بوده که مرده را از آن طریق وارد تابوت می کردند و سوراخی که این تابوت داشته به منزله معبر خروج عفونت و ترشحات جسد بوده است.^{۴۹}

گویند در زمان بلاش سوم (Vologeses III) بیماری طاعون شیوع یافته است. اشکانیان به موسیقی علاقه زیاد داشته و از آلات و ادوات موسیقی آنان نی و تنبور را نام برده اند.^{۵۰} به گونه ای که در خلال مقاله به کفایت اشاره شده است، شاهنشاهان اشکانی نه تنها ارزش و احترام برای فرهنگ و آداب و رسوم پیشینیان خویش قائل بوده اند، بلکه اکثراً و رسماً به بزرگداشت آیین باستانی ایرانیان یعنی دین زرتشت پرداخته و در جمع آوری و نو نگاری نوشته های پراکنده اوستایی همت گماشته اند.

۴۸- نجم آبادی : همان کتاب ، ص ۳۷۲-۳۷۳

۴۹- نجم آبادی : همان کتاب ، ص ۳۷۳

۵۰- نجم آبادی : همان کتاب ، همان صفحه

البته نباید پنداشت که اگر بر روی سکه‌های معدودی از شاهنشاهان اشکانی به خاطر برخی از ضرورت‌های زمان که بیشتر جنبه سیاسی داشت، نقوش و نشانه‌هایی از تمدن یونانی و رومی مشاهده می‌شود، گویای آن است که این شاهنشاهان اعتقادات یونانیان و رومیان را نیز پذیرفته بوده‌اند.

در این خصوص نشانه‌های بیشماری در تاریخ منعکس است که ذکر یکی دومورد آنرا در اینجا سودمند می‌دانیم.

اگر در زمان عباسیان برخی از خلفا به هنگام مراسم رسمی و جشنها پوشاکی همانند پوشاک ویژه شاهنشاهان ساسانی برای شرکت در این مراسم و جشنها برتن می‌کرده و حتی سکه‌های ساسانی در زمان آنها معمول بوده است، دلیل آن نیست که عباسیان دین ساسانیان را نیز پذیرفته‌اند. به همین‌گونه آگاهی داریم که بسیاری از شاهزادگان بافضیلت سلجوقی در بزرگداشت و نونگاری ادبیات مزدیسنا که بخش پرارزشی از میراث معنوی عهد باستان ایرانزمین است کوشیده‌اند و حتی پسران ملکشاه سلجوقی به‌ویژه پیش‌آهنگ اینگونه کارهای مهم بوده و در به‌نظم درآوردن نوشته سدر (سدر دین، سدر نثر) که مربوط به دوران شاهنشاهی شاپور دوم (ذوالاکتاف از ۸۶۸ تا ۹۳۸ شاهنشاهی) و به تألیف روحانی دانشمند آذرباد مهراسپندان بود، پیشگام شده‌اند. و نیز می‌دانیم که سامانیان خویش را از فرزندان ساسانیان دانسته و نسب خود را به بهرام چوبین سردار معروف خسرو دوم شاهنشاه ساسانی ملقب به پرویز می‌رسانده‌اند.

باز آگاهی داریم که مردآویج زیاری تخت و گاه و کلاه شاهی را به شیوه شاهنشاهان ساسانی می‌آراسته و بر آن بوده است که آیین کهن و باشکوه شاهنشاهی عهد باستان را از نو زنده کند. اکثریت قریب به اتفاق شاهنشاهان اشکانی به نیاکان خود حرمت می‌گذاشته‌اند و در برگزاری مراسم آیینی به منظور ایجاد شادی و آرامش برای روان درگذشتگان خود، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرده‌اند. در مجموع این ویژگیها بیانگر آن است که اشکانیان به دلائل و قرائنی که ذکر شد، به آیین پیشینیان خود که همان دین زرتشت بود درآمده‌اند. از آنجمله‌اند بلاش یکم، بلاش سوم و اشک یکم.

و نیک آگاهی داریم که اشکانیان بیشتر برای مردگان خویش به آهنگ و شیوه‌ها و سنن معمول در آیین زرتشت، مراسم کفن و دفن درگذشتگان را به‌جای می‌آورده‌اند.